الباب الثانی من الواحد التاسع من یکن له خط لم یکن له…

حضرت باب

اصلی فارسی



## **الباب الثانی من الواحد التاسع** من یکن له خط لم یکن له عدل فی ایامه فلیکتبن الف آیه لله و لیوصین بان یوصلنها الی النقطة لیجزیه الله برحمته یوم القیمة انه کان بکل شیئ علیما.

ملخص این باب آنکه اگر در ظهور بیان صاحب قلمی بهم رسد که عدل از برای او نباشد در زمان او از هر نوع خطی که هست از ابهی گرفته تا اعلی منتهی گردد که مراتب واحد باشد محبوب بوده که هزار بیت بر قرطاسی که آنهم بلا عدل باشد نوشته شود و همچنین شئون آن باید مثل آن باشد و وصیت نماید که در یوم ظهور ”من یظهره الله“ نزد آن شجرۀ حقیقت حاضر نمایند تا آنکه جزا دهد او را بآنچه نزد او است از آیات خود و مذکور گردد باین سبب نزد محبوب خود

و اگر نفسی باشد که استطاعت بر الف نداشته باشد در حین نوشتن بآن بر شهداء بیان است که بهاء الف را باو برسانند و اگر مستطیع است که سزاوار نیست کسی که از برای خدا عمل کند بها قرار دهد در عمل خود و از شئون خمسه نقطه بیان چه آیات و چه مناجات و چه تفاسیر و چه شئون علمیه و چه کلمات فارسیه هر چه نویسد مقبول خواهد بود

و ثمره آن اینکه اگر در یوم ظهور چنین نفسی باشد و امثال آن قلم نگردانند الا بآثار ”من یظهره الله“ که حرام شده بر ایشان قلم گردانیدن بر هر کلمۀ الا کلمات او لعل در آن یوم یک نفس لله عمل کند که بهتر است از کل آنچه در لیل نوشته میشود

و هیچ خطی در این ظهور محبوب تر نزد ظاهر بظهور نبوده الا خط شکسته حیوان نه میت زیرا که اکثر با تعلیم مینویسند ولی میت است نه حیوان حسن آن با حیوان بودن آن است که مثل آن بالنسبة بخط نسخ در حیوانیت مثل جوان است با کامل هر شیئ در حد خود محبوب بوده نزد خداوند و هست

و لتعلمن ذریاتکم ابهی الخطوط و امنعها عندکم لعلکم بذلک یوم القیمة عند ربکم تفتخرون.

